



<b>آموزه‌های قرآنی درباره پایان تاریخ</b>
<b>سرنوشت تاریخ</b>

سعید محمندی

تاریک‌بینی پایان زندگی انسان‌ها در این دنیا، ممکن است به دو علت اساسی بازگردد؛ نخست اینکه ما زندگی انسان و جهان را بی‌هدف فرض کنیم و به انکار نظم و اراده الهی و حکیمان‌ه‌ای که در جریان خلقت و تدبیر هستی وجود دارد، بپردازیم. دیگر آنکه از انسان و ظرفیت‌های متعالی وجود او غافل شویم و ذات او را بد دانسته و از هر گونه اصلاح‌طلبی و اصلاح‌جویی توسط او ناامید شویم. در این دو حالت نمی‌توان تصور روشن و امیدبخشی نسبت به آینده جهان داشت و درباره پایان زندگی انسان در این دنیا امیدوار بود. بر خلاف دیدگاه‌ها و مکاتبی که پایان جهان را تاریک می‌دانند، آموزه‌های اسلامی درباره سرنوشت زندگی انسان در این دنیا امیدبخش و شور آفرین است. در نگاه اسلام، از یک‌سو جهان هستی و انسان که جزئی از این مجموعه بزرگ محسوب می‌شود، براساس یک طرح کلی و حکیمانانه خلق شده و این حکمت سبب می‌شود که پایان معقول و روشنی در انتظار زندگی جهان باشد و از سوی دیگر ذات انسان اساساً نیکو شمرده می‌شود و از آن جهت که خداوند به خلقت و فطرت آدمی پرداخته، زندگی و تلاش او مورد احترام خواهدبود و می‌بایست به آن امید داشت. اگر چه ممکن است سوء‌اختیار انسان باعث دوری از آن فطرت اصلی گردد و کاستی‌ها و زشتی‌هایی در عرصه حیات مر تکب شود اما سرشت انسانی همیشه استوار خواهد ماند و تبدیل نخواهد شد و از این‌رو می‌توان انتظار داشت که کج‌روی‌های انسانی زمانی رخت بربندد و اصل و ریشه زیبای انسانی جلوه‌گر شود.



در طرح کلی اندیشه اسلامی همه پیامبران الهی که از طرف خدای متعال در میان بشر مبعوث شده‌اند، دو هدف اساسی داشته‌اند؛ نخستین هدف، برقراری ارتباط صحیح میان انسان و خداوند و منع بشر از پرستش هر موجودی غیراز خالق خود بوده که در شعار کلیدی (لَااله‌الالله) خلاصه می‌شود. هدف دومی که برای بعثت پیامبران از طرف خداوند متعال درنظر گرفته شده، مربوط به برقراری روابط صحیح میان افراد بشر است تا انسان‌ها با یکدیگر بر اساس عدالت، صلح، تعاون، احسان، عاطفه و خدمت به یکدیگر برخورد کنند. این دو نکته که در قرآن کریم به صراحت درباره اهداف اساسی انبیاء ذکر شده، از برخی آیات فهمیده می‌شود. درباره هدف اول، خداوند در قرآن به خاتم الانبیاء<sup>(ص)</sup> می‌فرماید:«ای پیامبر! همانا ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و انذاردهنده فرستادیم و دعوت‌کننده به سوی خداوند به اذن او درحالی‌که چراغ روشنی برای هدایت مردم هستی(احزاب-۴۵و۴۶)» و درباره هدف دوم چنین می‌فرماید که:«همانا ما فرستادگانی با نشانه‌های روشن فرستادیم و همراه ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به قسط و عدالت قیام کنند»(حدید-۲۵).

در حقیقت روشن‌بینی اسلام نسبت به سرنوشت نهایی انسان در این دنیا، مسأله‌ای بی‌پشتوانه و سطحی نیست؛ چراکه در طرح کلی آموزه‌های اسلامی، همه پیامبران برای تحقق دو هدف مهم «توحید» و «عدالت» مبعوث شده‌اند و محقق‌شدن این اهداف زمینه بروز همان وضعیت موعودی است که خداوند در سوره نور برای زندگی انسان در این دنیا وعده داده است. با این نگاه، آیات قرآن و آموزه‌های اسلام از یک سو هدف روشن و معقولی برای زندگی انسان در این دنیا معرفی می‌کنند و از سوی دیگر از راه‌حل‌های مناسب و عملی متناسب با این هدف سخن می‌گویند. این چنین به نظر می‌رسد که برقراری توحید و عدالت در جامعه انسانی که از اهداف اساسی پیامبران محسوب شده و در آیات مربوط به سوره‌های احزاب و حدید آمده است، در نهایت به وضعیتی منجر خواهد شد که در آیه مربوط به سوره نور درباره پایان زندگی انسان در این دنیا وعده داده شده است.

روایاتی که درباره این آیه سوره نور وجود دارد، اهمیت امامت و مهدویت در جریان تحقق آینده روشن تاریخ را بازگو می‌کند. هم چنین به اتفاق علمای شیعه و اهل سنت، کسی در این جمله تردید ندارد که پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «اگر حتی از دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مهدی<sup>(عج)</sup> از اولاد من ظهور کند و جهان را آکنده از عدل و داد سازد». وعده ظهور یک نجات‌بخش موعود که از نسل پیامبر خداست و راه ایشان را ادامه خواهدداد، مطلب مهمی است که به سرنوشت زندگی انسان در این دنیا مربوط می‌گردد. این وعده هم در راستای همان وعده بزرگ خداوند در قرآن قرار دارد که آینده روشن انسان و جهان را به تصویر می‌کشید. در حقیقت این مسأله گویای واقعیتی است که دنیا به سوی آن می‌رود و از آنجا که این موضوع یک سنت الهی است، اگرچه بشر قرن‌ها بر خلاف این اراده خداوند حرکت کند و به زندگی تاریک و ظلمانی خود ادامه دهد، در نهایت این خداوند است که عدالت و امنیت و سفیدیختی را بر دنیا حاکم خواهد کرد.

پیامبران و اولیای خدا، راهنمایان راه حق بوده و هستند و اگر چه از نظر تعداد بسیارند اما از نظر هدف یکی بوده و همه آنها راه حق را نشان داده‌اند و به سوی حق دعوت کرده‌اند. از این‌رو جداکردن پیامبران از یکدیگر و ایمان به یکی و انکار دیگری، انحراف از حق محسوب می‌شود. آن‌چنان‌که



*در طرح کلی آموزه‌های اسلامی، همه پیامبران برای تحقق دو هدف مهم (توحید) و (عدالت) مبعوث شده‌اند و محقق‌شدن این اهداف زمینه بروز همان وضعیت موعودی است که خداوند در سوره نور برای زندگی انسان در این دنیا وعده داده است*



خداوند در قرآن می‌فرماید:« کسانی که به خدا و پیامبران کافر می‌شوند و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش جدایی بیندازند و می‌گویند به یکی ایمان داریم و به دیگری کافر هستیم و می‌خواهند راه میانه‌ای پیش گیرند، آنها به یقین کافرند و ما برای کافران غذایی خوارکننده آماده کرده‌ایم و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند و میان پیغمبران جدایی نینداختند، اینان به همین زودی به پاداش خود می‌رسند و خدا بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است»(نساء- ۱۵۰ و ۱۵۱) مهدی موعود<sup>(عج)</sup> ادامه‌دهنده راه پیامبران و اولیای خداوند بوده و شخصیتی است که آرمان نهایی پیامبران را محقق خواهد کرد. دستیابی به یک جامعه توحیدی و عادلانه که براساس آیات قرآنی آرمان نهایی پیامبران و مضمون دعوت آنان را شکل می‌دهد، محصول دو اراده الهی و اراده انسانی است.

شرط نخست برای رسیدن به آرمان زندگی اجتماعی بشر، عنایت و هدایت پروردگار است که این‌اراده الهی برای تحقق این آرمان در قالب ارسال پیامبران و برگزیدن امامان توسط خداوند به انجام رسیده است. وجود این شرط باعث می‌شود که بخش نخست این آرمان که مربوط به عنصر توحید است، تأمین شود و آیات ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب هم به همین حقیقت اشاره دارد که پیامبران نسبت به انسان‌ها، شاهد، بشارت‌دهنده و انذاردهنده هستند و همچون چراغ روشنی آنان را به سوی خداوند هدایت می‌کنند. همچنین وجود موعودی که مأموریت به پایان‌رساندن دعوت تاریخی پیامبران را برعهده گیرد و عاقبت نیک اجتماع بشری در پایان تاریخ را رقم بزند، در ادامه همین شرط و این اراده الهی معنا پیدا می‌کند.

شرط دیگری که برای تحقق این آرمان ضروری به‌نظر می‌رسد، استقبال و پذیرش جامعه انسانی است. این شرط به وظیفه‌ای مربوط می‌شود که انسان‌ها برای تحقق آرمان زندگی بشر برعهده دارند و می‌بایست آن را به‌انجام رسانند. نکته قابل توجه این است که در آیه ۲۵ سوره حدید، قیام برای برقراری عدالت و ایجاد قسط برعهده مردم گذاشته شده (لیقوم الناس بالقسط) و بنابراین می‌توان فهمید که برای رسیدن به جامعه توحیدی و عادلانه، اراده انسان‌ها و تلاش آنها برای بهره‌گیری از کتاب و میزان و اجرای عدالت ضروری است. در واقع انسان‌ها می‌بایست به رشد و تکاملی دست یابند که پذیرای عدالت شده و در این راه آماده فداکاری هستند.

به عبارت دیگر اقامه قسط ابدی که هدف ارسال پیامبران است و قرآن به آن گواهی می‌دهد، دو مرحله (تشریح) و (اجرا) را دربرمی‌گیرد. مقصود از مرحله تشریح، ایجاد قوانین عادلانه‌ای است که سعادت بشر را تأمین کند. این مرحله، به وسیله پیامبران الهی و به‌ویژه پیامبر بزرگ و مقدس اسلام انجام شده و به بشریت عرضه گردیده است. آغاز پیدایش بشر، با آغاز نخستین مرحله تشریح و قانونگذاری همراه بوده و هیچ‌وقت بشر از راهنمایی غیبی و آسمانی، محروم نبوده است. دومین مرحله، اجرای قوانین عادلانه است که از نظر اهمیت، کمتر از مرحله نخستین نیست چرا که قانون صحیح اگر به‌طور صحیح اجرا نشود، بی‌فایده خواهد ماند. این مرحله می‌باید با هدایت و نظارت پیامبران و امامان و توسط مردم محقق شود.

مهدویت به ما نشان می‌دهد که سرنوشت نهایی تاریخ انسانی، تحقق جامعه‌ای توحیدی و عادلانه خواهد بود و این آرمان اجتماعی زندگی بشر از طریق اراده و هدایت خداوند و تلاش انسان‌ها در راه قیام برای عدالت محقق خواهدشد.



**آرمان‌های موعود**

**برقراری «توحید» و «عدالت» به‌عنوان اهداف بعثت پیامبران در طول تاریخ، در میان آرمان‌های موعود و منجی اسلام هم گنجانده شده و این نشان می‌دهد که قیام این موعود در مسیر نهضت پیامبران الهی و پایان‌بخش این سلسله خواهد بود و آیات قرآنی قابل توضیح و شناسایی است. در واقع مهدی موعود<sup>(عج)</sup> که در میان روایات اسلامی با جمله معروف (یملأء الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً) شناخته می‌شود تمام ظلم‌هایی که به واسطه شرک و فساد رابطه انسان با خداوند و هم جور و فساد رابطه انسان با دیگر بین خواهد برد. این حقیقت نشان می‌دهد همچنان که خانه کعبه، قبله‌گاه اهل حق است و مسلمانان از چهار سوی جهان، هنگام نماز به کعبه رو می‌کنند، هدف تمام پیامبران و اولیای الهی، یکی بوده و راه مهدی موعود<sup>(عج)</sup> همان راه پیامبر<sup>(ص)</sup> و راه قرآن است.**